

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و ششم، دوره جدید، سال دوازدهم
شماره دوم (پیاپی ۴۶)، تابستان ۱۳۹۹، صص ۶۱-۸۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۷/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

نقد دیوان چاپی شوکت بخارایی و لزوم تصحیح مجدد آن

محمد بهرامی اصل* - ایوب کوشان** - حمیدرضا فرضی***

چکیده

شوکت بخارایی یکی از شاعران مطرح اوایل قرن دوازدهم هجری شمسی و اواخر دوره صفوی و سبک هندی است. کلیات اشعار او تنها یکبار چاپ و منتشر شده است؛ دکتر سیروس شمیسا با استفاده از دو نسخه خطی، آن را تصحیح و چاپ کرد. در این مقاله به نقد توصیفی تحلیلی تصحیح شمیسا از دیوان شوکت بخارایی پرداخته می‌شود و با ذکر کاستی‌های آن، ضرورت تصحیح دوباره آن به اثبات می‌رسد. استفاده از نسخه‌های محدود با توجه به نداشتن اطلاع از نسخه‌های موجود در داخل و خارج از کشور و اقدام به تصحیح بدون داشتن تمرکز و علاقه باطنی به این کار باعث شده است تصحیح منظور کاستی‌هایی داشته باشد. برپایه اظهار خود مصحح محترم و استفاده از دو نسخه و داشتن تفکر احیا و نجات از فنای اثری با رونویسی و سپردن آن به چاپخانه، نسخه‌ای فراهم آمده که غلط‌های بسیاری در آن راه یافته است و از سویی تصحیح یادشده به دلیل استفاده نکردن از نسخ خطی موجود دیگر، صورت علمی و انتقادی نیز ندارد؛ همچنین فهرست کتاب مختصر و اثر بدون تعلیقات است. بنابر دلایل یادشده، به تصحیح دوباره دیوان اهتمام ورزیدیم. برای این تصحیح از شش نسخه خطی جدید معتبر منتخب از ۳۰ نسخه خطی در دسترس استفاده شد. اشکالات موجود در تصحیح پیشین را - که ۳۶۰ مورد آن را یادداشت کرده بودیم - با انتخاب شیوه تصحیح بینابین زدودیم و نسخه‌ای کامل‌تر از آن و دیگر نسخه‌های در دسترس ارائه کردیم که مشتمل بر هفتاد و هفت غزل، یک قطعه، پنج رباعی و صد و پنجاه و شش تک‌بیتی اضافی است.

واژه‌های کلیدی

لزوم تصحیح دوباره؛ کلیات شوکت بخارایی؛ تصحیح علمی و انتقادی؛ رفع شبهات و غلط‌ها

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران stu.bahrani@iaut.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران (نویسنده مسؤول) kooshan@iaut.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران farzi@iaut.ac.ir

مذمت اکسیر ما را زنده زیر خاک کرد / از طلا گشتن پشیمانیم ما را مس کنید

بیت بالا یکی از ابیاتی است که مصداق مثل سائر بوده و بین عامه جاری و ساری است؛ اما افراد کمی می‌دانند این سخن ارزشمند از کیست و چه کسی آن را سروده است. این بیت از غزل شوکت بخارایی با مطلع زیر است:

دوستان دیوانه ما را به خود مونس کنید / حلقه زنجیر ما از حلقه مجلس کنید

شوکت بخارایی یکی از شاعران مطرح اوایل قرن دوازدهم هجری شمسی و اواخر دوره صفوی و سبک هندی است که با وجود شهرت و آوازه بلندش در کشور عثمانی و هند و حوزه هرات و ماوراءالنهر و زندگی و فوتش در ایران، به شکلی عجیب و مرموز، حتی در میان خواص کشور ادب‌پرورمان ناشناخته است. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر شوکت می‌توان به نکته‌سنجی، مضمون‌آفرینی، باریکاندیشی، نازک‌خیالی، خیالبندی، تازه‌گویی و داشتن خیالات رنگین اشاره کرد. شوکت در طرز خیالبندی که وجه پیچیده سبک هندی است به اذعان تذکره‌نویسان روزگارش، از شاعران کم‌نظیر بوده است؛ تا جایی که به گفته بعضی از آنها، خیال‌پردازی و به‌کارگیری مضامین دور از ذهن، فهمیدن شعر او را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است. شوکت شیفته صائب تبریزی و از پیروان اوست. نسخه‌های متعددی از دیوان شوکت در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود؛ اما به سبب علاقه شاعران عثمانی به او و آوازه‌اش در آن کشور، بیشترین نسخ خطی دیوان شوکت در کتابخانه‌های عثمانی نگهداری می‌شود. وی در سرودن انواع شعر فارسی از جمله قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی تک‌بیتی استادی خود را نشان داده است و بنابر قول گیب «اختری بود که اکثر شعرای عثمانی را بیش از نیم قرن راهنمایی می‌کرد و در حضور ذهن و کثرت اختراع و مجاز و تشبیهات شهرتی عالمگیر داشت» (براون، ۱۳۱۶: ۱۶۷). در این پژوهش به موارد متعددی از کاستی‌ها، غلط‌ها و اشکالات موجود در نسخه چاپی اشاره می‌شود و لزوم تصحیح دوباره دیوان شوکت بخارایی به اثبات می‌رسد. شیوه نقد ما در این مقاله، نقد تطبیقی نسخه چاپی با نسخ خطی برگزیده بود و وارد سایر حوزه‌های نقد، به دلیل محدودیت حجم نشریات علمی پژوهشی، نخواهیم شد.

پیشینه پژوهش

دکتر شمیسا پیشتر دیوان شوکت بخارایی را با استفاده از سه نسخه خطی (عملاً دو نسخه) با عنوان *دیوان شوکت بخاری با تصحیح و مقدمه دکتر سیروس شمیسا* در سال ۱۳۸۲ در انتشارات فردوس چاپ و منتشر کرد. این تصحیح همان‌طور که شمیسا در مقدمه کتاب از صفحه ۲۹ الی ۳۲ آورده، از روی سه نسخه خطی انجام شده است که به ترتیب، نسخه اول متعلق به کتابخانه مدرسه عالیۀ داکا (در هیچ فهرستی نیامده است)، نسخه دوم متعلق به دانشگاه داکا به شماره ۴۴۴ و نسخه سوم متعلق به کتابخانه آستان قدس است. نویسندگان نسخه‌های مدرسه داکا و دانشگاه داکا را مشاهده نکردند؛ اما نسخه آستان قدس با شکسته نستعلیق نسبتاً خوبی تحریر شده و نسخه‌ای است که اگر با خوشنویسی آشنایی طولانی نداشته باشی و یا خوشنویس نباشی، نمی‌توانی از آن به‌درستی استفاده کنی.

دکتر شمیسا در مقدمه نسخه چاپی، درباره نسخه یادشده چنین آورده است: «نسخه‌ای است پریشان که با چندین خط (لااقل سه خط) اشعار چند شاعر (هلالی، صائب و دیگران) از جمله شوکت در آن جمع آمده است. صفحات بدون نظم و ترتیب در کنار هم قرار گرفته و صحافی شده است. جز اشعار شوکت، اشعار دیگران به خطی است که اصلاً قابل قرائت نیست. اشعار شوکت هم چندان قابل استفاده نبود؛ زیرا به سبب صحافی، بین صفحات فاصله افتاده و پاره‌ای از شعر یک‌جا و پاره دیگر جای دیگر بود، خبری هم از مثنوی نبود» (شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۳۲). از این مطلب می‌فهمیم که مصحح محترم از این نسخه بهره نبرده و عملاً از دو نسخه استفاده کرده است.

همچنین ایشان در صفحه ۳۰ مقدمه آورده‌اند: «خود را مقید به ضبط کامل هیچ‌یک از نسخ نکردم و هر ضبط از نسخ را که به نظرم ارجح بود در متن آوردم.» و در صفحه ۳۵ مقدمه درباره احوال خود در زمان انجام این تصحیح چنین گفته‌اند: «هیچ کار علمی - که تمرکز می‌خواهد - جز پاکنویس مطالب از من بر نمی‌آید». ایشان به‌طور کلی درباره تصحیح نسخ خطی عقیده خود را چنین ابراز داشته‌اند: «کار تصحیح نسخ خطی حقیقتاً کاری زحمت‌افزاست؛ باید چند نسخه را به‌دقت خواند و با هم مقابله کرد؛ یکی دو بار پاکنویس کرد؛ شعرها را جداگانه نوشت و برحسب قافیه الفبایی کرد؛ بعد از حروفچینی چند بار غلط‌گیری کرد و بسا زحمات دیگر کشید و سرانجام مصداق این بیت شد که: «هرخدمتی که کردم بی‌مزد بود و منت؛ لذا من کوشیدم که چندان دنبال این کار نروم» (همان: ۳۶).

مصحح محترم چنان درباره نسخ خطی سخن گفته است که گویی نسخ خطی چندان در ایران وجود ندارد: «نسخ خطی دیگر را که عمدتاً در خارج از ایران هستند، ندیده‌ام و امیدوارم در آینده به تدریج به بعضی از این نسخ دست یابم» (همان: ۳۳).

این تصحیح بنا بر دلایلی که ذکر شد کاری غیرعلمی است که مقررات و ضوابط تصحیح علمی و انتقادی نسخ خطی به‌درستی درباره آن (دیوان شوکت) اعمال نشده است و کاری ناقص است که به قول خود دکتر شمیسا «و این می‌رساند که لازم است در آینده کسی نسخ دیگر را هم با این نسخه مقابله کند» (همان: ۳۴).

روش پژوهش

نگارندگان برای اصلاح غلط‌ها و مشکلات نسخه چاپی در این پژوهش، از شش نسخه خطی وزین و معتبر جدید بهره بردند که از میان سی نسخه خطی در دسترس انتخاب شده بود؛ بنابراین اول از همه به معرفی نسخه‌های خطی استفاده شده می‌پردازیم و سپس مشکلات و اغلاط موجود در نسخه چاپی را با آوردن صورت بیت یا مصرع و مقایسه آن با نسخه تصحیحی خودمان بیان می‌کنیم؛ برای دوری از اطنا، با توضیحی مختصر، صورت صحیح کلمه، مصرع یا بیت ارائه می‌شود. گفتنی است اشکالات نسخه چاپی با کاربرد روش تصحیح بینابین زوده شده است.

برای آشنایی با شیوه صحیح نقد و تصحیح متون اشاره به تعاریف مبانی نظری زیر راهگشا خواهد بود.

- در تعریف نقد و تصحیح متون گفته‌اند: «به حاصل آوردن نسخه‌ای از اثری که براساس عرض‌دادن و مقابله‌کردن نسخه‌های خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد؛ به‌طوری که نسخه مذکور چه از جهت مفهوم و چه معنا و چه از بابت لفظ و صورت، عین نسخه‌ای باشد که مؤلف عرضه کرده است و یا لااقل هیأتی داشته باشد که مؤلف، اثرش را به مانند آن و یا نزدیک به آن فراهم آورده است» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۰).

- تعریف فن تصحیح متون: «کوشش بایسته در تحویل‌دادن متن مطابق با آن چیزی که حقیقتاً نویسنده‌اش در پی آن بوده است، از نظر املا، لفظ و معنا (دکتر مصطفی جوادی)» (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۷).

- «عرض دانش و فن تصحیح متون، به دست دادن متنی هرچه نزدیک‌تر به متن اصلی است که از زیر قلم نویسنده‌ای خارج شده یا از بیان شاعر یا گوینده‌ای تراوش یافته و امروزه مورد پژوهش ماست» (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۱۳).

- «روش تصحیح بینابین: جمع بین شیوه تصحیح برپایه نسخه اساس و تصحیح التقاطی را شیوه بینابین می‌نامند و نحوه عمل به این صورت است که نسخه مضبوط‌تر و معتبرتر را اساس قرار دهیم ولی نه اساس مطلق؛ بلکه اساس نسبی؛ یعنی هر جا که ضبط نسخه اساس مرجوح می‌نمود و ضبط نسخه‌های دیگر راجح، با ذکر دلیل ترجیح، ضبط مغلوط نسخه اساس را از متن بیرون کنیم و جای آن را با ضبط معتبر نسخه‌های دیگر کمال بخشیم» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۸۰).

پیشینه نقد دیوان چاپی

تنها پژوهشی که درباره نقد دیوان چاپی صورت گرفته است، رساله‌ای از آقای ترغای شفق از اهالی ترکیه با عنوان *تصحیح انتقادی دیوان شوکت بخارایی* است که با راهنمایی دکتر امیربانو کریمی و با استفاده از سه نسخه خطی موجود در کتابخانه‌های ترکیه برای دریافت درجه دکتری در تیرماه سال ۱۳۸۶ به انجام رسیده است. این اثر با شماره «ت ۵۴۶ ش ۱/۴ تا ۸ پ ۵» در کتابخانه دانشگاه تهران ثبت شده است. در این رساله درباره نقد دیوان چاپی کاری صورت نگرفته است و حتی در موارد بسیار از نسخه چاپی بهره برده و متأسفانه اشکالات نسخه چاپی را تکرار کرده است. مهم‌ترین اشکال کار این مصحح محترم این بوده است که با وجود تحریر این رساله در دانشگاه تهران از نسخه‌های نفیس و کامل دانشگاه تهران، کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و کتابخانه مرکزی (ملی) تبریز بهره نبرده است و تفاوت عمده این رساله با نسخه چاپی از نظر کمیت اشعار و یکسان نبودن نسخه‌هاست. این اثر بر نسخه چاپی رجحانی ندارد؛ حتی طبق اظهار صریح مصحح محترم در موارد متعدد از آن بهره برده است و دارای ۹ قصیده (عملاً هشت قصیده، چون تجدید مطلع یکی از قصاید را قصیده‌ای دیگر شمرده است)، ۶۸۴ غزل، ۱ قطعه، ۲۶۶ دوبیتی، ۲۳ رباعی (عملاً ۱۸ رباعی، چون ۵ رباعی الحاقی است) و ۳۸۲ تک‌بیتی است که در مقایسه با رساله ما ۱ قصیده، ۴۴ غزل، ۱ قطعه، ۳۰ دوبیتی، ۲ رباعی و ۲۰ تک‌بیتی کمتر دارد. نداشتن مقدمه جامع و مانع (۲۴ صفحه مقدمه دارد که اکثراً نقل قول از نسخه چاپی است)، اغلاط فراوان تایپی، ترجیحات نادرست به دلیل رعایت نکردن موازین نسخه‌شناسی و استفاده فراوان از نسخه چاپی، رسم‌الخط غیر یکدست، نداشتن همه اشعار دیوان شوکت، استفاده نکردن از منابع و مآخذ دست اول، نداشتن اعلام کامل و استفاده از نسخ محدود از اشکالاتی است که بر این رساله وارد است که در نقدی جداگانه باید بدان پرداخته شود.

معرفی نسخه‌های خطی استفاده‌شده در تصحیح نسخه چاپی

نسخه خطی ۸۸۸ (کمن) متعلق به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی

نام کتاب: دیوان شوکت بخارایی، مؤلف: محمداسحاق متخلص به شوکت بخاری؛ تعداد برگ: ۲۳۵؛ این نسخه ۴۷۶ صفحه دارد و کاتب آن شیخ صالح قادری فرزند شیخ احمد خلوتی مناشری است که در روز یکشنبه اواخر ذی‌الحجه سنه ۱۱۷۸ یعنی درست ۷۱ سال بعد از وفات شاعر تحریر شده است. نسخه یادشده با بیت:

از بس که ریخت رنگ جنون بر سرم هوا سودا به پای بست ز مغز سرم حنا

شروع و نه قصیده را شامل می‌شود. صفحات نسخه ۱۵ سطر دارد و با خطی شبیه به خط نستعلیق نوشته شده که خطی معمولی و خواناست.

این نسخه دارای ۹ قصیده، ۶۹۸ غزل، ۱۶ رباعی، ۲۸۱ دو بیتی و ۴۰۷ تک‌بیتی است و از باارزش‌ترین نسخه‌های خطی کلیات دیوان شوکت بخارایی به شمار می‌رود.

نسخه خطی ۲۶۱۳ (مت ۱) متعلق به کتابخانه مرکزی تبریز

شماره ردیف: ۵۱۸؛ شماره دفتر: ۲۶۱۳؛ اسم کتاب: دیوان شوکت، اسم مؤلف: محمداسحاق شوکت بخارایی متخلص به «نازک» که بعداً تخلص خود را به «شوکت» تغییر داد.

آغاز نسخه:

«از بسکه ریخت رنگ جنون بر سرم هوا
سودا به پای بست ز مغز سرم حنا...»
انجام نسخه:

«... عصمت کبری گشت و حیا شد صغری
بی نقصان شد چو یافت از بی نقصان
آورد از او نتیجه بیرون دولت
تاریخ نتیجه حیا و عصمت»

نوع خط: نستعلیق؛ کاتب: فیض الله؛ ورق: ۱۹۰؛ سطر: ۱۹؛ نوع جلد: مقوا؛ اندازه: ۱۳ در ۲۱/۵؛ آرایش و یادداشت‌های تاریخی: هیچ نوع آرایشی ندارد؛ یادداشت تملیکی به شرح: «استصحابه الفقیر محمد ثاقب بن امرالله روحی المولوی عفی عنهما» پشت برگ اول دیده می‌شود و پشت و روی برگ اول با مهرهایی به سجع «ماشاءالله، لا قوة الا بالله» و «من مستملكات الفقیر الحاج مصطفی صدقی غفرله» مهور شده است؛ این نسخه ۹ قصیده، ۷۴۲ غزل، ۲۲ رباعی، ۲۸۳ دو بیتی و ۳۹۹ تکبیتی دارد و نسخه باارزشی از کلیات دیوان شوکت است.

نسخه خطی کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۲۶۹۸ (مت ۲)

شماره ردیف: ۵۱۹؛ شماره دفتر: ۲۶۹۸؛ اسم کتاب: دیوان شوکت؛ رک. شماره ۲۶۹۸.

آغاز نسخه:

«از بسکه ریخت رنگ جنون بر سرم هوا
سودا به پای بست ز مغز سرم حنا...»
انجام نسخه:

«... عصمت کبری گشت و حیا شد صغری
بی نقصان شد چو یافت از بی نقصان
آورد از او نتیجه بیرون دولت
تاریخ نتیجه حیا و عصمت»

نوع خط: نستعلیق؛ کاتب: سید حسین عثمان افندی دیار بکری؛ تاریخ: ۱۱۹۷ ق؛ ورق: ۱۴۶؛ سطر: ۱۶؛ نوع جلد: چرمی ضربی؛ اندازه جلد ۱۵ در ۲۰/۵؛ آرایش و یادداشت‌های تاریخی: هیچ نوع آرایشی ندارد و یادداشت تملیکی به این عبارت دیده می‌شود: «در دارالسلطنه تبریز که نور چشم امان الله خان هاشم‌زاده و در دولت منزل جناب آقای آقامیرزا محمد دام اقباله بودم ابتیاع گردید» ۱۱ شهر ربیع الاولی، تنگوزئیل ۱۳۱۷؛ آغاز و انجام کتاب با مهری به سجع «حسین ۱۱۹۳» و مهرهای ناخوانای دیگر مهور است.

این نسخه ۹ قصیده، ۵۹۶ غزل، ۱۴ رباعی، ۱۵۵ دو بیتی و ۸۵ تکبیتی دارد و از کلیات‌های برگزیده دیوان شوکت بخارایی به شمار می‌رود. گفتنی است این نسخه ۳ قصیده را در حاشیه تکرار کرده است.

نسخه خطی شماره ۹۲۲ متعلق به مجلس شورای اسلامی (مش)

نسخه یادشده با قصیده‌ای به مطلع زیر شروع شده است:

از بس که ریخت رنگ جنون بر سرم هوا
سودا به پای بست ز مغز سرم حنا

این قصیده در دیگر کلیات‌های دیوان شوکت، قصیده اول است. صفحات نسخه شامل ۲۳ سطر است. این نسخه که در حکم کلیاتی از اشعار شوکت بخارایی است، هشت قصیده دارد و قصیده زیر را ندارد:

شب‌بنم تشنه لب ز تو سیراب
مرحباً أفتاب عالم‌تاب

این قصیده در مدح رسول اکرم (ص) سروده شده است و در نسخه‌های دیگر، قصیده سوم است. ابتدای غزلیات که از ورق ۱۶ یا صفحه ۳۱ آغاز می‌شود با بیت زیر شروع شده است:

جمع گرداند خدا خواب پریشان مرا / کرده غفلت سبزه خوابیده مژگان مرا

صفحات غزلیات نیز ۲۳ سطری است و نسخه با خط نستعلیق پایین تر از متوسط تحریر شده است. پایان نسخه ورق ۱۲۷ یا صفحه ۲۵۳ با دو بیت زیر است که در کلیات‌های دیگر دیوان شوکت به‌عنوان ختم سخن آمده است:

عصمت کبری گشت و حیا شد صغری / آورد از او نتیجه بیرون دولت
بی نقصان شد چو یافت از بی نقصان / تاریخ نتیجه حیا و عصمت

تاریخ کتابت نسخه ۱۰۹۴ نوشته شده است؛ یعنی ۱۳ سال قبل از فوت شاعر و «تمت بعون... تعالی» خط پایان نسخه را به تصویر کشده است. درکل این نسخه اعتبار خوبی دارد؛ زیرا کلیات دیوان شوکت است و هرچند نام کاتب نیامده است، دقیقاً با همان قلمی که متن کتاب تحریر شده، تاریخ کتابت نسخه هم نوشته شده است. ازسوی دیگر نسخه خواناست و با مشکل قرائت در آن کمتر روبه‌رو می‌شویم. در این نسخه ۸ قصیده، ۶۱۵ غزل، ۱۳ رباعی، ۱۷۵ دو بیتی و ۱۳۲ تکبیتی درج شده است. ناقص‌بودن نسخه به‌سبب در قید حیات بودن شاعر از مشکلات این نسخه است.

نسخه خطی ۳۶۷۱ (دت) متعلق به مخزن نسخ خطی دانشگاه تهران

شروع این نسخه با بیت زیر است:

زهی به دشت غمت عشوه خیز مرحلها / پری به شیشه ز خار ره تو آبلها
خاتمه نسخه نیز با این رباعی است:

گلها دارند از چمن روی به راه / ساکن بینی تو از شعور کوتاه
استاده نمایند به عین رفتن / این سرخ قبایان به مجازات نگاه

تاریخ تحریر نسخه: نوزدهم محرم‌الحرام روز شنبه، سنه ۱۲۵۴ هجری؛ نام کاتب: میرغلام حسین عجزنژاد؛ خط نسخه: نستعلیق خاص آمیخته با شکسته، خط خاصی است که در قدیم رایج بوده است؛ هر صفحه ۱۰ سطر دارد و نسخه را کاتب بدون قلم‌خوردگی و بسیار مرتب و تمیز نوشته است. نسخه ۲۵۳ برگ و ۵۰۶ صفحه دارد و قصاید و بعضی از متفرقه‌ها و مفردات (غزل‌های دوبیتی و تکبیت‌ها) را ندارد. با خط خوب روی نسخه آمده است که «دیوان اشعار و کلیات آثار شوکت»؛ اما با توضیحاتی که داده شد، معلوم می‌شود این نسخه به‌جز قصاید، مجموعه‌ای از غزلیات شوکت بخارایی همراه با متفرقات شعر اوست و این اشتباه ناشی از بررسی‌نکردن دقیق و اشراف نویسنده به آثار و اشعار شوکت است. این نسخه شامل ۶۰۷ غزل، ۱۲ رباعی، ۲۱۰ دوبیتی و ۲۱۹ تکبیتی است و ۱۴۶ سال بعد از فوت شاعر تحریر شده است.

نسخه ۱۳۱ (کما) متعلق به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

در صفحه اول، پیش از شروع اشعار با خط شکسته نستعلیق نسبتاً خوشی چنین نوشته شده است: «مال حاجی محمدخان است» و صفحه ممه‌ور به مهر «یا محمد» است که با خط نستعلیق ممتاز نوشته شده است. نسخه پس از «بسم الله الرحمن الرحیم» با قصیده زیر شروع می‌شود:

از بسکه ریخت رنگ جنون بر سرم هوا / سودا به پای بست ز مغز سرم حنا

نسخه ۹ قصیده دارد که در حاشیه آنها اشعاری از هانف اصفهانی و... با خطی غیر از خط کاتب و با شکسته‌ای مرغوب نوشته شده است. هر صفحه ۱۷ سطر دارد. شروع کتاب پس از بسم الله الرحمن الرحیم با این بیت از غزلیات است:

خدایا رنگ تأثیری کرامت کن فغانم را / به موج اشک بلبل آب ده تیغ زبانم را

هر صفحه از غزلیات ۱۷ سطر دارد. خط کاتب نستعلیق معمولی خواناست و نسخه از نظر نقطه‌گذاری اشکالی ندارد. در حاشیه غزلیات، غزلیاتی از شاعران دیگر آورده شده است.

این کلیات ارزشمند شوکت با رسیدن به صفحه ۳۵۲، مثل بعضی نسخ دیگر با دو بیت زیر پایان یافته است:

عصمت کبری گشت و حیا شد صغری
بی نقصان شد چو یافت از بی نقصان

آورد از او نتیجه بیرون دولت
تاریخ نتیجه حیا و عصمت

این نسخه که از نسخ با ارزش کلیات‌های دیوان شوکت بخارایی است، رقم ندارد و تاریخ کتابت و کاتب آن مشخص نیست. نسخه در کل ۳۵۵ صفحه، ۹ قصیده، ۵۸۹ غزل، ۱۳ رباعی، ۱۸۸ دوبیتی، ۱۲۷ تکبیتی و ۲ قطعه دارد که بدون رقم است؛ ولی کاتب باسوادی آن را نوشته است.

نقص‌ها و کاستی‌های نسخه چاپی

نقص‌های مقدمه نسخه چاپی

مقدمه نسخه چاپی شرح حال نسبتاً خوبی از شوکت بخارایی دارد؛ اما جامع و مانع و جوابگوی ابهامات و جایگاه شاعری و منزلت شعر او نیست. در معرفی نسخه‌های استفاده‌شده نیز اطلاعات نسخه‌شناسی باارزشی در اختیار خواننده گذاشته نشده و فقط به محل نگهداری نسخه و شماره ثبت و ضبط نسخه اشاره شده است؛ مصحح محترم می‌توانستند با مقدمه‌ای جامع‌تر، ابهامات زندگی و شعر شوکت را بزدایند و بستری برای تحقیقات عالمانه‌تر بعدی فراهم آورند. علاوه بر آن در مقدمه غلط‌ها و اشکالاتی به شرح زیر دیده می‌شود:

- «ظاهراً بین او و شاگردان دیگر تمایزی نبودند» (شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۱۳) که به جای آن «نبود» درست است و احتمالاً اشتباه چاپی است.

— جاده را راه نشابور رگ فیروزه است بس که شوکت به سر خاک نظیری رفتم

(همان: ۱۶)

مصرع اول در نسخه ما چنین ضبط شده که صورت صحیح است: «جاده راه نشابور رگ فیروزه است».

- «... مطلب اینها غموض و دقت است» (همان: ۱۷) که «دقیق» به جای «دقت» صحیح است.

- «... تا حدی که به مهلمی نرسد» (همان) که به نظر می‌رسد «مهملی» درست باشد.

— غم اشکی برون از چشم گریانم نمی‌آید اگر آید هوا گردد به دامنم نمی‌آید»

(همان: ۲۵)

صورت صحیح ترکیب بالا، «نم اشکی» است و «غم اشکی» بی‌معنی است.

— در حمد قدم نهاده بر چرخ برین در نعت علم به عرش اعلی دارد»

(همان: ۳۷)

«وز حمد» درست است و صورت صحیح ضبط شده است.

«... یا گلزاری است چون عارض سبز خطان روح افزا و... چون ریاض ارم از سبزه نورسته غم‌زدا» (همان: ۳۷ و ۳۸)

که به جای نقطه‌چین در نسخه ما «مرغزاریست» آمده است.

کاستی‌ها و نقص‌های دیگر کتاب

نسخه چاپی ۷۷ غزل، ۱ قطعه، ۵ رباعی و ۱۵۶ تک‌بیتی کمتر از نسخه تصحیحی ما دارد؛ نیز اعلام مناسب و تعلیقات ندارد - هر دو برای تصحیح یک دیوان شعر لازم است - و جوابگوی ابهامات شعر شوکت نیست.

مشکل ترتیب و تبویب اشعار

نسخه چاپی به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است؛ اما مصحح محترم کلیه غزل‌ها، قطعات، رباعیات و دوبیتی‌ها را با در نظر گرفتن چینش الفبایی بدون دسته‌بندی شماره‌گذاری کرده و پشت سر هم آورده است؛ طوری که شماره‌ها نمی‌تواند ممیز تعداد غزل‌ها، قطعات، رباعیات و دوبیتی‌های دیوان باشد؛ این قالب‌ها به صورت فله‌ای، البته به ترتیب حروف الفبا آمده است و تا جایی که نگارندگان مقاله دیوان‌های اشعار را از نظر گذرانده‌اند، این روش شماره‌گذاری را جایی ندیده‌اند؛ همچنین قضاید که به صورت مرسوم چاپ دیوان‌ها معمولاً بخش اول اشعار را تشکیل می‌دهد، در آخرین بخش قرار داده شده است.

غلط‌ها و اشکالات متن نسخه چاپی

غلط‌ها، اشکالات و اشتباهات همواره در کتاب‌های چاپی رخ می‌دهد. تشخیص این غلط‌ها مستلزم دقت فراوانی است تا با ترجیحات نادرست که در هنگام مقابله و ضبط نسخه‌بدل‌ها پیش می‌آید، یکی گرفته نشود و نقد را به بیراهه نکشاند؛ زیرا ترجیحات نادرست در مرحله تصحیح ناشی از نداشتن علم و آگاهی و احاطه مصحح به موضوع تصحیح است و با اشکالات چاپی تفاوت دارد؛ بنابراین اشکالات موجود را در نه بخش به شرح زیر دسته‌بندی کرده و به شرح آنها می‌پردازیم:

۱) التباس حروف با همدیگر؛ ۲) کم یا زیاد شدن حروف یا کلمات؛ ۳) کم یا اضافه شدن نقطه حروف و کلمات؛ ۴) جابه‌جایی حروف و کلمات؛ ۵) اشکالات رسم الخطی؛ ۶) اشکال وزنی؛ ۷) اشکال فعلی؛ ۸) اشکال قافیه؛ ۹) ترجیحات نادرست.

التباس حروف با همدیگر

بیش از ۷۰ مورد از غلط‌های یافت‌شده در دیوان چاپی ناشی از التباس حروف (چه چاپی و چه ترجیحی) است که در تصحیح ابیات مشکل ایجاد کرده و باعث شده است کلمات ناسره در دیوان راه یابد و معنی ابیات و مصراع‌های شعر مخدوش شود و یا در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

- التباس همزه «ئ» با «ن» معنی مصرع اول بیت را به بیراهه کشانده است:

سلام بیدل خود را نه ایمانی نه دشنامی چه خواهی گفت روز حشر ای بدخو جوابش را
(شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۷۰)

در نسخه تصحیحی ما «ایمانی» آمده است و صورت صحیح همان است.

- التباس حرف «ن» با «د» در بیت زیر، مصرع دوم را بی‌معنی کرده است:

کسی کز دیدن دست نگاربتش شود بی خود شراب نیم رس دارد حنای نیم رنگش را
(همان: ۷۲)

در نسخه تصحیحی ما «داند» ضبط شده است و صورت صحیح همان است.

- التباس حرف «ک» با «گ» اشکال زیر را پدید آورده است:

از خاک تا قیامت دست گلیم روید هر جا که برفشانند دست تو آستین را
(همان: ۸۷)

منظور شاعر ید بیضا بوده و «دست کلیم» درست است.

- التباس حرف «د» با «و» باعث اشکال زیر است:

می شود طوطی خموش از صحبت آینه‌ات
داده شوکت چشم او از سرمه پرواز تو را
(همان: ۹۸)

«پرداز» صورت صحیح کلمه است؛ زیرا عمل پردازش با سرمه انجام می‌شود، نه پرواز.

- التباس حرف «م» با «ن» اشتباه آشکار بیت زیر است:

پس از هلاک همان قطع گفت وگو نکنیم
بود چو خانه سخن‌گو سر بریده ما
(همان: ۱۳۲)

«خامه» صورت صحیح کلمه منظور بوده و در نسخه ما نیز اینچنین آمده است.

- التباس حرف «خ» با «چ» و «ج» با «خ» در یک کلمه، اشتباه بیت زیر را به وجود آورده است:

دخل صد بحر است چرخ دیده‌ام
مردم چشم عجب دریادل است
(همان: ۱۶۹)

صورت صحیح کلمه «خرج» است و ناگفته پیداست که با توجه به آرایه مراعات‌النظیر «دخل و خرج» با هم می‌آید و ضبط ما درست است.

- التباس حرف «م» با «ب» خطای زیر را موجب شده و مصرع را بی‌معنی کرده است:

ز آینه بینای می صد دسته نرگس بشکفتد
بزمی که یکدم ساقیش آن نرگس مردافکن است
(همان: ۱۷۴)

صورت صحیح کلمه بدون شک «مینای می» است.

- التباس حرف «ب» با «ی» باعث غلط زیر شده و وزن مصرع را مختل کرده است:

غنچه منقار می‌آید برون نالان ز شاخ
گلین امید ما را بال بلبل ریشه است
(همان: ۱۸۶)

صورت صحیح کلمه «گلین» بوده است و به نظر می‌رسد اشتباه چاپی است.

- التباس حرف «ک» با «ه»: «ه»:

نان ره سالک پزد از آتش منزل
کاکل چو شود دل شکم سیر ندارد
(همان: ۲۳۷)

ناگفته پیداست که ضبط نسخه ما یعنی «کاهل» درست است.

- التباس حرف «ه» با «ی»:

شد گل آخر اول جوش بهار او نشد
لالی خالی گشت از رنگ و گلش بی‌بو نشد
(همان: ۲۸۱)

کلمه صحیح «لاله» است و نسخه ما نیز اینگونه ضبط کرده است.

- التباس حرف «ه» با «و»:

حلقه کعبه چو خمیازه بیهوده کشی
بت پرستیم به رنگی که خدا می‌داند
(همان: ۲۸۶)

«چه» صورت صحیح کلمه و مصرع اول سؤالی است.

- التباس حرف «ی» با «الف» و «و» با «ر» در یک مصرع این چنین اشکالی را ایجاد کرده است:
بی بصارت کی برد شوکت مشام اشتیاق دید بوی پیرهن را چشم کور از راه دور
 (همان: ۳۵۰)

صورت صحیح کلمات یادشده در نسخه تصحیحی ما «بصیرت» و «بود» است.

- التباس حرف «پ» با «ب» و «چ» با «خ» در یک کلمه اشکال آشکار بیت زیر را به وجود آورده است:
 بس که عمر من به یاد چین ابرویش گذشت بیخ و تاب زندگی شد گوهر شمشیر ناز
 (همان: ۳۵۱)

صورت صحیح «پیچ و تاب» است و ناگفته پیداست.

- التباس حرف «ل» با «ک»:
 ز دست چشم کبودی است چهره‌ام نیکی که سرمه خاکه فیروزه شد ز مژگانش
 (همان: ۳۶۰)

«نیلی» به جای «نیکی» صحیح است و در نسخه ما نیز چنین آمده است.

- التباس حرف «س» با «ن»:
چنان نظاره موی میان یار کنم که می شود ز نزاکت میان مردم گم
 (همان: ۴۰۲)

صورت صحیح کلمه «چسان» بوده و مصرع سؤالی است؛ یعنی چسان نظاره موی میان یار کنم؟

- التباس حرف «ی» با «ن»:
 بود در تنگنای جسم خاکی دل به صد جانم از این راه پر از گل لغزش مستانه‌ای دارم
 (همان: ۴۰۷)

صورت صحیح کلمه در نسخه تصحیحی ما «جایم» است و بیت با این کلمه معنی درستی می‌یابد.

- التباس حرف «م» با «د»:
 سمندر را به بال گرد من پروازها باشد به هر مشت غبار خویش آتشیخانه‌ای دارم
 (همان: ۴۰۸)

با توجه به مظهر گرما بودن سمندر و حالت مراعات‌النظیر داشتن سمندر و گرما و آتشیخانه، «گرما» درست است و در نسخه تصحیحی ما نیز چنین آمده است.

- التباس حرف «ی» با «ه»:
 گردیده پر از حیرت من کوه و بیابان پیچیده چو فرهاد به کهسار نگاهم
 (همان: ۴۲۰)

به جای «فرهاد»، «فریاد» درست است و در نسخه ما نیز اینچنین آمده است.

- التباس حرف «و» با «ر»:
 نمی دانم که را کرد از خم گیسو گره امشب که سنبل پوش می آید نگاه از چشم من بیرون
 (همان: ۴۴۹)

صورت صحیح کلمه «وا» بوده و احتمالاً اشتباه چاپی است.

- التباس حرف «و» با «د»:

نه امروز است ذکر نام او در زبان من
به طفلی داشتم از خاکبازی سبجه گردانی
(همان: ۴۷۶)

صورت صحیح کلمه «ورد» است و احتمالاً این هم اشتباه چاپی است.
نمونه‌های دیگر از موارد بسیار که برای پرهیز از طولانی شدن کلام در جدول زیر آورده می‌شود.

جدول شماره ۱: نمونه‌های دیگری از التباس حروف با یکدیگر

صفحه	شکل موجود در نسخه چاپی	صفحه	شکل موجود در دیوان تصحیحی ما
۱۵۳	به قدر حوصله، رنگ نیاز می‌ریزد نگاه من به گل نیم‌رنگ، نیم‌آوست	۲۹۴	به قدر حوصله، رنگ نیاز می‌ریزم نگاه من به گل نیم‌رنگ، نیم‌آوست
۴۸۷	قامت من بس که از بار دل خود حلقه زد گشته موج چین پیشانی مرا زنجیرها	۱۴۷	قامت من بس که از بار دل خود حلقه است گشته موج چین پیشانی مرا زنجیر پا
۴۹۴	بس که راکب را به فرمان است آن گلگون بهار کی شود رنگ عنانش گر شود رنگ حنا	۱۵۳	بس که راکب را به فرمان است آن گلگون مه‌ار کی شود رنگ عنانش گر شود رنگ حنا
۴۹۵	شاهبازی بودم از بی‌تابی دل بال زن داشت داغ سینه من پنبه از مغز هوا	۱۵۴	شاهبازی بودم از بی‌تابی دل بال زن داشت داغ سینه من پنبه از مغز هما
۴۹۸	یعنی مرا به گوشه دل جای داده است شوقم کجا و دیده کجا و حرم کجا؟	۱۳۸	معنی مرا به گوشه دل جای داده است شوقم کجا و دیده کجا و حرم کجا؟
۵۰۳	می‌خواهم از تو مصرع دیگر گشاد دل دل را شود دو ناخن دیگر گره‌گشا	۱۴۲	می‌خواهم از دو مصرع دیگر گشاد دل دل را شود دو ناخن دیگر گره‌گشا
۵۱۴	باران به خاک از عرق شرم خود فشاند از بس که ابر را کرمت شرمسار کرد	۱۶۶	باران به خاک از عرق شرم خون فشاند از بس که ابر را کرمت شرمسار کرد
۵۱۴	باشد به کوه‌پایه حکم تو آسمان نیلوفری که سر به در از چشمه سار کرد	۱۶۶	باشد به کوه‌پایه حلم تو آسمان نیلوفری که سر به در از چشمه سار کرد
۵۱۷	زهی زبان به دهان تو برگ غنچه نور ز خنده نمکین تو آب گوهر شور	۱۶۹	زهی زبان به دهان تو برگ غنچه نور ز خنده نمکین تو آب کوثر شور
۵۱۸	ز لوح سینه که موج صفا بود سطرش بود دو نقطه نسیان حباب آب بلور	۱۷۰	ز لوح سینه که موج صفا بود سطرش بود دو نقطه پستان حباب آب بلور
۵۱۸	چو آفتاب بدر شد ز صبح پرده سرم که داده است تو را آصف زمان دستور	۱۷۰	چو آفتاب بدر شو ز صبح پرده شرم که داده است تو را آصف زمان دستور
۵۲۱	به کوچه دام تماشا چنان فکنده هوا که گرده از سر دیوار می کشد تصویر	۱۷۳	به کوچه دام تماشا چنان فکنده هوا که گردن از سر دیوار می کشد تصویر
۵۲۲	ز مدح گلشن و وصف بهار می آید صدای خنده گل از قلم به‌جای حریر	۱۷۴	ز مدح گلشن و وصف بهار می آید صدای خنده گل از قلم به‌جای صریر
۵۳۶	مطلبی دیگر کنم انشاء که گردد تا به حشر افتخار دودمان کلک معنی زای من	۱۸۷	مطلعی دیگر کنم انشاء که گردد تا به حشر افتخار دودمان کلک معنی زای من
۵۳۸	از دماغ خانه من، خون نخوت می چکد بس که شد مست غرور از تکیه غرای من	۱۸۹	از دماغ خامه من، خون نخوت می چکد بس که شد مست غرور از نکته غرای من

کم یا زیاد شدن حروف یا کلمات

یکی دیگر از دلایل غلط‌های نسخه چاپی کم یا زیاد شدن حروف یا کلمات است که باعث راهیابی اغلاط متعددی

به دیوان چاپی شده است که در زیر نمونه‌های آن آورده می‌شود.

– چون عکس رفته از خود چون گشتی میهمانم آینه رخنه باشد دیوار خانه ام را

(شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۷۷)

صورت صحیح کلمه «گشت» است و اضافی بودن حرف «ی» باعث این اشکال شده است.

- تماشای کهنسال از جوان سنجیده‌تر باشد ترازوی نگه‌سنجی است عینک چشم پیران را

(همان: ۸۱)

«پیران» صورت صحیح کلمه است و افتادن «ی» باعث غلط آشکار بالا شده است که شاید اشتباه چاپی باشد.

- ز طفلی آدمی بی‌تاب رزق خویشتن باشد ز بالیدن کند دندان استقبال روزی را

(همان: ۹۵)

صورت صحیح کلمه «دندانش» بوده است که ضمیر متصل «ش» افتاده و وزن مصرع را مشکل‌دار کرده است.

- خیال شمع رخ او چنان ضعیفم کرد که می‌شود پیر پروانه دود جامه مرا

(همان: ۱۱۴)

صورت صحیح مصرع دوم «که می‌شود پیر پروانه‌ای دو جامه مرا» است و در نسخه ما نیز چنین آمده است.

- یک جا نشستن ما، زنجیرگشت ما را موج شکسته پای شد چین دامن ما

(همان: ۱۲۹)

صورت صحیح «شکسته پای» است و افتادن «ی» باعث اشکال موجود شده است.

- شوکت کسی نگردد از ما شکسته خاطر آب حریر باشد سنگ و فلاخن ما

(همان: ۱۲۹)

مصرع دوم در نسخه تصحیحی ما به این صورت است: «آب حریر باشد سنگ فلاخن ما» و به نظر می‌رسد «و» در

«سنگ و فلاخن» اضافی است؛ زیرا سنگ فلاخن در سیال بودن به آب حریر تشبیه شده است.

- نشد روشن بد و نیک مذاهب وقت آن آمد که یکسو افکنند این شاهدان از چهره برقع‌ها

(همان: ۱۳۹)

آشکار است که صورت صحیح کلمه «افکنند» است.

تعدادی از بقیه موارد در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره ۲: نمونه‌هایی از کم یا زیاد شدن حروف یا کلمات

صفحه	صورت آورده‌شده در نسخه چاپی	صفحه	صورت آورده‌شده در نسخه تصحیحی ما
۱۴۹	کشیدن کی توان از سایه دست تو دامان را برون آوردن از دل سخت دشوار است از دستت	۳۴۷	کشیدن کی توان از سایه دست تو دامان را برون آوردن دل سخت دشوار است از دستت
۱۹۲	خاموشی بندر گفتار تو باشد شوکت	۳۴۰	خاموشی بندر گفتار تو باشد شوکت

جاده صحرای سخن را لب نگشاده توست		جاده صحرای سخن را لب نگشاده توست	
بی تو امشب از هجوم توبه عیشم تنگ بود پنبه، مینایم ز مهتاب شب آدینه داشت	۲۹۷	بی تو امشب از هجوم توبه عیشم تنگ بود پنبه مینایم از مهتاب شب آدینه داشت	۲۰۱
ندارد عقده سررشته تقریر ما شوکت مگر گاهی به وقت خامشی ما را زبان گیرد	۴۴۰	ندارد عقده سررشته تقریر ما شوکت مگر گاهی به وقت خامشی ما را زبان گیرد	۲۵۱
حدیث هند مگویند همدمان دیگر که کرده‌ایم ز دل همچو دود آه برون	۵۰۸	حدیث هند می‌گویند همدمان دیگر که کرده‌ایم ز دل همچو دود آه برون	۴۴۸
تا شوی شوکت سخنگو لب فروبند از سخن گفتن پر نیست کم از خاموشی گفت‌وگو	۵۵۴	تا شوی شوکت سخنگو لب فروبند از سخن گفتن پر نیست کم از خاموشی گفت‌وگو	۴۵۲
کی زند خود را به تیغش هر ز خود وارسته‌ای؟ چون من این دریاندار دست از جان شسته‌ای	۵۵۶	... زند خود را به تیغش هر ز خود وارسته‌ای چون من این دریا ندارد دست از جان شسته‌ای	۴۷۸
رو به امن آباد اسلام خموشی می‌نهم تا به کی باشد به دستم خامه کافر ماجرا	۱۵۶	رو به آن آباد اسلام خموشی می‌نهم تا به کی باشد به دستم خامه کافر ماجرا	۴۹۷
شیرین تبسمی ز دهان تو موج زد از چشم مور تنگ شکر آشکار کرد	۱۶۱	شیرین تبسمی ز دهان تو موج زد از چشم مور تنگ شکر را شکار کرد	۵۱۲
حفظ تو کرد شیر و شکر آب و شعله را عدلت بنای شعله به موم استوار کرد	۱۶۷	خط تو کرد شیر و شکر آب و شعله را عدلت بنای شعله به موم استوار کرد	۵۱۵
چندان که نوعروس گلندام نوبهار مستی ز باده قرح لاله‌زار کرد	۱۶۸	چندان که نوعروس گلندام نوبهار مستی ز باده را قرح لاله‌زار کرد	۵۱۶
به دور معدلت شاخ آهوی تصویر بود فتیله داغ چراغ دیده شیر	۱۷۶	به دور معدلت شاخ آهوی تصویر بود فتیله داغ چراغ دیده شیر	۵۲۴
به گفت‌وگوی شوی چند بی‌ادب شوکت نشین که مصحف خاموشی بی‌کنم تقریر	۱۸۰	به گفت‌وگوی شوی چند بی‌ادب شوکت نشین که مصحف خاموشی می‌کنم تفسیر	۵۲۸
بادِ خاکم به سر، آتش به دل و آب به چشم که ز طرف در سلطان خراسان رفتم	۱۸۳	باد و خاکم به سر آتش به دل و آب به چشم که ز طرف در سلطان خراسان رفتم	۵۳۲
صاحباً، دریا دلا عرض مرا بشنو که شد موج را از من کلید قفل مطلب‌های من	۱۹۱	صاحباً، دریا دلا عرض مرا بشنو که شد موج را از من کلید قفل مطلب‌های من	۵۳۹

کم یا اضافه شدن نقطه حروف و کلمات

یکی دیگر از دلایل غلط‌های نسخه چاپی کم یا اضافه شدن نقطه حروف و کلمات در یک کتاب تصحیح شده است که برخی از آنها ناشی از غلط چاپی یا تایپی و برخی نیز به سبب ترجیحات نادرست کاتب یا مصحح است. نسخه چاپی منظور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ مثال‌های زیر گویای این مطلب است.

- ز بس گردید گرد خانه‌اش رنگ تماشایی نظرها باشد از دیوار چون نور از جبین پیدا
(شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۴۹)

صورت صحیح کلمه باشد است و نسخه ما نیز چنین آورده است.

- به سروقت دل ما آمدن آسان نمی‌باشد بود مژگان شیران جاده راه پیشه ما را
(همان: ۵۵)

با توجه به آوردن شیر در مصرع دوم و رعایت آرایه مراعات‌النظیر، «پیشه» درست است.

- گرانی می‌کند کثرت به دل وحدت‌گزینان را غم صدر و نعالی کی بود خلوت‌گزینان را
(همان: ۸۱)

به نظر می‌رسد به سبب مترادف بودن با صدر، «تعالی» صورت صحیح کلمه است.

- کار ما از انفعال خصم می‌گیرد کمال
سبز گردد ز آبروی خوشه‌چین این دانه‌ها
(همان: ۱۴۲)

صورت صحیح کلمه انفعال بوده و نقطه «ع» احتمالاً اشتباه تایپی است.

- به دست موج شبنم پنجه خورشید مینایم
نمی‌آید ز شیری آنچه می‌آید ز موری‌ها
(همان: ۱۴۴)

واضح است که صورت صحیح کلمه با توجه به آمدن پنجه «می‌تایم» است.

- آرزو بسیار دارم شوکت و تنگ است دل
صد قلمرو شیر را چاپک نیستان پیشه است
(همان: ۱۸۶)

صورت صحیح ترکیب بالا، «جا یک نیستان» است و مصرع دوم به صورت بالایی معنی است.

تعدادی از بقیه موارد در جدول زیر آورده می‌شود.

جدول شماره ۳: نمونه‌هایی از کم یا اضافه شدن نقطه حروف و کلمات

صفحه	صورت آورده شده در نسخه چاپی	صفحه	صورت آورده شده در نسخه تصحیحی ما
۱۹۱	شوکت ز گفت و گویت بوی محبت آید نثرت چنانکه قالی است نظم خوش تو خالی است	۳۰۷	شوکت ز گفت و گویت بوی محبت آید نثرت چنانکه قالی است نظم خوش تو حالی است
۱۹۴	خامش نبود کم سخن افتاد چو معشوق چون ناز سر حرف کند باز زبان چیست	۳۰۸	خامش نبود کم سخن افتاد چو معشوق چون ناز سر حرف کند باز زبان چیست
۲۱۷	چنان نظاره خلدم کند زیان بی تو که گل به چشم من از خار روی حور افتد	۳۵۰	چنان نظاره خلدم کند زیان بی تو که گل به چشم من از خار روی حور افتد
۲۴۷	از <u>نخل</u> قامت تو تمنی ثمر خورد هرکس تو را به بر کشد از عمر بر خورد	۵۹۷	از <u>نخل</u> قامت تو تمنی ثمر خورد هرکس تو را به بر کشد از عمر بر خورد
۳۶۱	نباشد حاصل مرد سخنور غیر خاموشی کند قطع سخن تیغ زبان دسته دندانش	۴۷۷	نباشد حاصل مرد سخنور غیر خاموشی کند قطع سخن تیغ زبان دشنه دندانش
۳۹۷	خانه نار سیه چشمان بود آغوش من سرمه چشم غزالان است داغ سینه ام	۵۱۳	خانه ناز سیه چشمان بود آغوش من سرمه چشم غزالان است داغ سینه ام
۳۹۹	ز <u>چهره</u> رنگ به کوی تو ریختم رفتم غبار خویش به صد پرده بیختم رفتم	۵۱۶	ز <u>چهره</u> رنگ به کوی تو ریختم رفتم غبار خویش به صد پرده بیختم رفتم
۴۰۶	فراغم داده است از فکر رنگارنگ <u>پوسیدن</u> ز عریانی قبای چهره رنگی که من دارم	۵۳۱	فراغم داده است از فکر رنگارنگ <u>پوسیدن</u> ز عریانی قبای چهره ای رنگی که من دارم
۴۴۵	ز بس آرایش تن جانگداز افتاد <u>بیرویش</u> خورد چون شمع انگشت مرا رنگ حنای من	۵۳۷	ز بس آرایش تن جانگداز افتاد <u>بیرویش</u> خورد چون شمع انگشت مرا رنگ حنای من
۴۱۳	از بهارستان وحدت تا مرا فیضی رسد نکته <u>گلزار</u> بال عندلیبان می‌کشم	۵۰۰	از بهارستان وحدت تا مرا فیضی رسد نکته <u>گل</u> را ز بال عندلیبان می‌کشم

جابه‌جایی حروف و کلمات

جابه‌جایی حروف و کلمات از عوامل دیگری است که غلط‌هایی را در دیوان چاپی رقم زده است.

- شب که از رخسار بزم او تماشا داشتیم
بود مژگان از نگاه گرم آتش‌باز ما
(شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۱۲۴)

صورت صحیح مصرع اول «شب که از رخسار او بزم تماشا داشتیم» است و جابه‌جایی دو کلمه «بزم و او» این

اشکال آشکار را ایجاد کرده است.

- دین فروشی بود شوکت کار ما زانرو که هست چارسوی فکر لبریز از متاع دین ما
(همان: ۴۹)

صورت صحیح کلمه در نسخه ما «کفر» است و به سبب قرینه دین فروشی، درست به نظر می‌رسد و جابه‌جایی حروف «ک» و «ف» باعث این اشتباه شده است.

- از خط پشت لب او چشم راحت داشتن توتیا از دیده گرد نمکدان کردن است
(همان: ۱۷۵)

صورت صحیح مصرع بالا عبارت است از: «توتیای دیده از گرد نمکدان کردن است». جابه‌جایی کلمات دیده و از این اشکال را موجب شده است.

- چون آب لعل از جگر سنگ می‌کشم زان می که در پیاله من شیشه شیشه است
(همان: ۲۵۹)

صورت صحیح مصرع اول اینگونه است: «چون لعل، آب از جگر سنگ می‌کشم» و جابه‌جایی کلمات «لعل» و «آب» این اشکال را به وجود آورده است.

- صحبت روشندان مفتاح قفل خامشی است طوطی آینه زین تصویر گویا می‌شود
(همان: ۳۸۶)

صورت صحیح مصرع دوم در نسخه تصحیحی ما اینگونه است: «طوطی تصویر زین آینه گویا می‌شود». جابه‌جایی «آینه» و «تصویر» این اشکال را به وجود آورده است.

- گشودی لب به حرف و شد خموشی پیشه شوکت نهادی پا به سحر دوست اعجاز مرا بستی
(همان: ۱۷۵)

صورت صحیح مصرع دوم در نسخه ما چنین است: «نهادی پا به سحر و دست اعجاز مرا بستی» است که صورت صحیح نیز هست و جابه‌جایی حرف «و» با «د» موجب این اشکال شده است.

اشکال‌های رسم الخطی

گاهی نیز اشکالات رسم الخطی به وجود آمدن اغلاط را دامن زده است.

- لباس از حق مجو دیگر که تشریف کرم باشد قبای چهره رنگی که از هستی است انسان را
(همان: ۸۱)

صورت صحیح کلمه در مصرع دوم «چهره‌ای» است و این اشکال از رسم الخط قدیم ناشی شده است.

- خون دلخسته آن چشم سیه را قوت است چوب بادام شهیدان ترا تابوت است
(همان: ۱۵۷)

مصرع اول در نسخه ما اینچنین است: «خون دل، خسته آن چشم سیه را قوت است». به سبب اشکال رسم الخطی، مصرع اول نسخه چاپی بدون معنی درست است.

- از جلوه تو شوکت افتاده شد فنا برخواستن بین به نشستن چه می‌کند

(همان: ۲۹۷)

رسم‌الخط صحیح کلمه «برخاستن» است و در نسخه ما هم چنین ضبط شده است.

غبار از جا به بال شهپر طاوس می‌خیزد به خاک از بس که اشکم هر نظر رنگ دگر غلطد

(همان: ۲۸۲)

صورت صحیح کلمه با توجه به وزن شعر در نسخه ما «طاوس» ضبط شده است.

قسم به مطلع ثانیات می‌دهم ساقی که همچو صبح دوم صاف کرده‌ای طنبور

(همان: ۵۱۷)

صورت صحیح رسم‌الخط کلمه «ثانیت» است.

هر سحر که گل عبادت حق گردد از زینن عابدین سیراب

(همان: ۵۰۹)

سحرکه صورت صحیح ترکیب بالاست و این اشتباه احتمالاً ناشی از نگذاشتن سرکش حرف «گ» در رسم‌الخط

قدیم است.

اشکال وزنی

اشکال وزنی از دیگر اشکالاتی است که در نسخه چاپی دیده می‌شود.

زد به سنگ آتش که افروزد چراغ شهرتی یک قد آدم بلند شد خوشه فرهاد سوخت

(همان: ۱۵۰)

مصرع دوم از نظر وزن اشکال دارد و حرف «د» در کلمه بلند به اصطلاح علمای عروض به درج می‌رود و اضافی

است. صورت صحیح مصرع که نسخه ما ضبط کرده چنین است: «یک قد آدم علم شد آتش و فرهاد سوخت».

بررویش پریشان رنگ افتاده است پنداری که عکس بوی گل پیدا است از آینه رویش

(همان: ۳۷۴)

وزن شعر مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن است و مصرع اول نارسایی وزنی دارد. صورت صحیح مصرع که در

نسخه ما آمده این است: «پری رویش پریشان رنگ افتاده است پنداری».

دلم ز غنچه فردوس و نشد شوکت چو بوسه کنج دهان کسی است کنج فراغ

(همان: ۴۱۴)

وزن غزل و وزن مصرع دوم مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن است؛ اما مصرع اول این وزن را ندارد و وزن آن مفاعیلن

فعلاتن مفاعیلن فععلن است. در نسخه تصحیحی ما بیت به صورت صحیح زیر آمده است:

دگر ز غنچه فردوس و نشد دل شوکت چو بوسه کنج دهان کسی است کنج فراغ

دگر شوکت ز احوال گرفتاران که می‌پرسد به حال خود گرفتارند صیدان ز بدنامی

(همان: ۴۷۶)

وزن مصرع دوم شکسته است و این شکستگی وزن به سبب آوردن کلمه «صیدان» به جای «صیدان» رخ داده است که

شاید غلط تایپی هم باشد.

به گفت‌وگوی شوی چند بی‌ادب شوکت نشین که مصحف خاموشی می‌کنم تفسی

(همان: ۵۲۸)

مصرع دوم از نظر وزنی یک واج بیشتر دارد و وزنش ناسالم است. صورت صحیح مصرع در نسخه تصحیحی ما چنین آمده است: «نشین که مصحف خاموشی بی کنم تقریر»

اشکال فعلی

اشکال فعلی از دیگر اشکالاتی است که بر نسخه چاپی وارد است.

— گاه رحمی به حنا باید خورد که فتاده است ز پا از دست

(همان: ۱۴۹)

صورت صحیح فعل بالا «کرد» است که نسخه ما همان را ضبط کرده است.

— بوی گل است پرتو شمع مزار ما از بس که کرده ایم غم گلرخان به خاک

(همان: ۳۸۷)

فعل یادشده «برده ایم» است؛ زیرا غم گلرخان را با خود به خاک می برند نه اینکه غم گلرخان را در خاک می کنند.

— سرکشان را زیر دست خود به نرمی کرده ایم بارها از موم بحر شعله را پل بسته ام

(همان: ۳۹۲)

صورت صحیح فعل دوم با توجه به فعل اول و جمع آوردن سایر افعال در غزل، «بسته ایم» است که در نسخه ما نیز چنین آمده است.

— چون خیال خواب می گردد مرا شب های غم چشم خود را سرمه از گرد نمکدان می کشم

(همان: ۳۸۷)

صورت صحیح فعل «می گیرد» است و در نسخه ما نیز چنین آمده است.

— یکی همین که به حشرم شوی معین و شفیع یکی چنین که به دهرم شوم حفیظ و نصیر

(همان: ۵۲۸)

صورت صحیح فعل «شوم» در مصرع دوم «شوی» است که در نسخه ما نیز چنین آمده است.

— شوکت این ترک ادب چند دعا می گوید تا به افلاک شوم دست و گریبان رفتم

(همان: ۵۳۳)

صورت صحیح مصرع اول در نسخه ما چنین است: «شوکت این ترک ادب چند، دعا می گویی؟»

— زمانه بازی دیگر به روی کار آورد فکنده مهره خال تو را به ششدر خط

(همان: ۳۷۸)

با توجه به فعل «آورد» در مصرع اول، صورت صحیح فعل دوم «فکنند» است که در نسخه ما نیز چنین آمده است.

— در این میدان ز ضعف خویش آن گلگون سوارم من که می باشد عنان گردیدن من رنگ گردیدن

(همان: ۴۳۴)

بدیهی است که عنان را می گردانند، نه عنان را می گردند؛ در نسخه ما نیز «عنان گرداندن» آمده است که بی تردید صورت صحیح فعل یادشده است.

اشکال قافیه

اشکال قافیه نیز از مواردی است که در دیوان چاپی دیده می شود.

– خانه‌ام از تیره‌بختی‌ها به رنگ سرمه است پرتو مهتاب بر بالم به رنگ سرمه است
(همان: ۱۸۷)

«به رنگ سرمه است» در این بیت مطلع غزل، ردیف است؛ اما «تیره‌بختی‌ها» با «بالم» نمی‌تواند قافیه باشد. صورت صحیح آن در نسخه ما چنین آمده است:

خانه‌ام از تیره‌بختی‌ها ز سنگ سرمه است پرتو مهتاب بر بالم به رنگ سرمه است
(سرمه است) ردیف و «سنگ» و «رنگ» قافیه است.

ترجیحات نادرست

ترجیحات یا ضبط نادرست، با توجه به محدودبودن نسخه‌های در دسترس مصحح محترم، علت دیگری است که قسمت عمده‌ای از اشکالات دیوان چاپی را در بر می‌گیرد؛ به طوری که نمی‌توان از کنار آن به آسانی گذشت و آن را نادیده گرفت. بررسی زیر دلیلی گویا بر این ادعای ماست:

بس که باشد ز تو روزی مشکل نرود رنگ حنا از دستت
(همان: ۱۴۹)

صورت صحیح کلمه در نسخه ما «دوری» است و مصرع به صورت بالا بی‌معنی است.

– کشته‌ناز تو مستانه به خود می‌غلند موج می‌ناوک بیداد تو را بال و پر است
(همان: ۱۶۱)

نسخه ما «به خون می‌غلند» آورده است که مصطلح‌تر و صحیح‌تر است.

گفت از آن چشم سیه مصرع فردی شوکت که ردیفش همه چون مدنگه مژگان است
(همان: ۱۷۳)

ضبط نسخه ما «مصرع چندی» است و به نظر می‌رسد درست‌تر هم هست؛ زیرا مصرع فرد نمی‌تواند ردیف داشته باشد و این «مصرع چندی» یا «چند مصرع» است که تشکیل بیت داده است و می‌تواند ردیف داشته باشد.

– تا کلک و کاغذ سوخته است از شکوه جانسوز من هر صفحه از آینه‌ام هر خانه‌ام از آهن است
(همان: ۱۷۴)

مصرع دوم بدین صورت بی‌معنی به نظر می‌رسد. در نسخه ما چنین آمده است: «هم صفحه‌ام ز آئینه و هم خامه‌ام از آهن است» که حالت مراعات‌النظیر داشتن «کلک و کاغذ» با «خامه و صفحه» تأییدکننده درستی نسخه ماست.

– تردستی معمار بود سیل بنایم دیوانه من خواهش تعمیر ندارد
(همان: ۲۳۸)

صورت صحیح کلمه «ویرانه» است؛ زیرا «سیل» و «ویرانه» و «تعمیر» مراعات‌النظیر است و «دیوانه» با آنها مناسبتی ندارد.

– مرا شب‌های تنهایی نیازست این که همدم شد که از آغوش تنگ من خیال او مجسم شد
(همان: ۲۵۹)

در نسخه ما مصرع اول به این صورت آمده است: «مرا شب‌های تنهایی نه یار است این که همدم شد» که با توجه به قرینه «خیال او» در مصرع دوم به نظر می‌رسد این ضبط درست‌تر از ضبط نسخه چاپی باشد.

– مرا امشب به سر بال همایی سایه‌افکن شد به فرق خویشان دیوار را دیدم که می‌آید

(همان: ۳۳۴)

واضح است که «دیوار» در مصرع دوم نمی‌تواند درست باشد و این آمدن «دلدار» است که با سایه‌افکن شدن بال «هما» می‌توان تعبیر درستی از آن برداشت کرد. بدیهی است که ترجیح «دلدار» بر «دیوار» در نسخه ما درست است.

– پرده‌های گوش بال مرغ آتش خامه شد هر کجا شوکت ز سوز دل فغان برداشتیم

(همان: ۴۲۷)

صورت صحیح ترکیب «آتشخواره» است و «آتش خامه» ناصواب است.

– تا دم مرگ دو بال است تو را خودبینی چار چشم است سگ نفس تو از عنصر تو

(همان: ۴۵۸)

خودبینی نمی‌تواند بال پرواز باشد؛ چون معنی منفی دارد. نسخه ما «دو بالاست» آورده است که صورت صحیح ترکیب است؛ زیرا در صورت دو بالا بودن خودبینی است که معنی درستی از مصرع درک می‌شود.

— بر شما ز آنچه رفته از اعدا شود او خون چکد ز چشم سحاب

(همان: ۵۱۰)

مصرع دوم در نسخه ما «سزد از خون چکد ز چشم سحاب» آمده است و صورت صحیح نیز همین است؛ زیرا مصرع نسخه چاپی بی‌معناست.

چند مورد از موارد بسیار ترجیحات نادرست نیز در جدول زیر آورده می‌شود.

جدول شماره ۴: نمونه‌هایی از ترجیحات نادرست

صفحه	صورت بیت آمده در نسخه چاپی	صفحه	صورت بیت نسخه تصحیحی ما
۱۳۸	چنان بی او چکید از پیکرم خون بصیرت‌ها که چون نرگس به چشم پیکرنی بست حیرت‌ها	۲۷۶	چنان بی او چکید از پیکرم خون بصیرت‌ها که چون نرگس به چشم شد نکه پی بست حیرت‌ها
۲۹۷	آهن آینه می‌باید ز سنگ سرمه‌اش گشته چشمت صحت خود را تماشا می‌کند	۳۵۰	آهن آینه می‌بالد ز سنگ سرمه‌اش بس که چشمت صحت خود را تماشا می‌کند
۳۱۰	ندارد نفس حیوان از در کس چشم نومیدی که می‌سازد سبک قانع به مشت استخوان خود	۴۴۸	ندارد نفس حیوان از در کس چشم نومیدی که می‌سازد سگ قانع به مشت استخوان خود
۴۰۸	چنان آباد بهر سوختن شد خانه صبرم که می‌سوزد از آن آتش که دارد سنگ دیوارم	۶۲۵	چنان آماده بهر سوختن شد خانه صبرم که می‌سوزد از آن آتش که دارد سنگ دیوارم
۴۷۸	شربت از چشم مسیحا می‌خورد بیمار او چشم پرگاری که دارد همچو من دلخسته‌بی	۶۵۴	شربت از چشم مسیحا می‌خورد بیمار او چشم بیماری که دارد همچو من دلخسته‌بی

نتیجه‌گیری

سیروس شمیسا دیوان شوکت بخارایی را در سال ۱۳۸۲ با استفاده از دو نسخه خطی تصحیح کرد و انتشارات فردوس با شمارگان (تیراژ) هزار نسخه آن را به چاپ رسانید؛ شوکت از شاعران بزرگ سبک هندی بوده و دیوان او نیز از کلیات‌های وزین و ارزشمند سبک هندی است. به سبب محدود بودن نسخه‌های در دسترس مصحح محترم و نداشتن تمرکز و علاقه باطنی به کار تصحیح - طبق اظهار خود آن بزرگوار - و داشتن تفکر احیا و نجات از فنای اثری ارزشمند با رونویسی و تصحیح نه‌چندان علمی و سپردن آن به چاپخانه، نسخه‌ای فراهم شده بود که نمی‌توان آن را تصحیح منقحی به شمار آورد؛ زیرا از یک سو غلط‌های چاپی بسیاری در آن راه یافته بود و از سوی دیگر به دلیل استفاده نکردن از نسخه‌های خطی وزین

موجود دیگر، اثر چاپ شده صورت علمی و انتقادی نداشت. همچنین تبویب و چینش غزلیات، قطعات، رباعیات، دوبیتی‌ها و تک‌بیتی‌ها در ظاهر به روش الفبایی، اما به صورت فله‌ای انجام شده بود و کتاب فهرست آنچنانی و تعلیقات نداشت؛ بنابراین نگارندگان این مقاله تصمیم گرفتند با استفاده از ۶ نسخه خطی منتخب از ۳۰ نسخه خطی در دسترس به تصحیح دیوان اهتمام ورزند. سرانجام با انتخاب شیوه تصحیح بینابین اشکالات موجود در دیوان چاپی را - که ۳۶۰ مورد آن را یادداشت و در ۹ بخش طبقه‌بندی کرده بودیم - زدوده و نسخه‌ای منقح‌تر و کامل‌تر از همه نسخه‌های موجود ارائه کردیم. این اشکال‌های طبقه‌بندی شده عبارت است از: (۱) التباس حروف با همدیگر؛ (۲) کم یا زیاد شدن حروف یا کلمات؛ (۳) کم یا اضافه شدن نقطه حروف و کلمات؛ (۴) جابه‌جایی حروف و کلمات؛ (۵) اشکالات رسم‌الخطی؛ (۶) اشکال وزنی؛ (۷) اشکال فعلی؛ (۸) اشکال قافیه؛ (۹) ترجیحات نادرست. امید است این پژوهش راهگشای پژوهش‌های محققان گرامی در تحقیقات بعدی باشد. باید گفت نسخه چاپی دربردارنده ۹ قصیده، ۶۴۱ غزل، ۱ قطعه، ۳۰۰ دوبیتی، ۱۵ رباعی و ۲۴۶ تک‌بیتی بوده است و نسخه تصحیحی ما ۹ قصیده، ۷۲۸ غزل، ۲ قطعه، ۲۹۶ دوبیتی، ۲۰ رباعی و ۴۰۲ تک‌بیتی دارد و در نتیجه مشخص است که ۷۷ غزل، ۱ قطعه، ۵ رباعی و ۱۵۶ تک‌بیتی، بیش از نسخه چاپی دارد.

منابع

- ۱- اصغری هاشمی، محمدجواد (۱۳۸۸). *شیوه‌نامه تصحیح متون*، قم: دلیل ما، چاپ اول.
- ۲- براون، ادوارد (۱۳۱۶). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه و تصحیح رشید یاسمی، تهران: ایرانیان، چاپ اول.
- ۳- جهانبخش، جويا (۱۳۹۰). *راهنمای تصحیح متون*، تهران: میراث مکتوب، چاپ سوم.
- ۴- شفق، ترگای (۱۳۸۶). *تصحیح انتقادی دیوان شوکت بخارایی*، رساله دکتری ترگای شفق، دانشگاه تهران.
- ۵- شوکت بخاری، محمداسحاق (۱۳۸۲). *دیوان شوکت بخاری*، به تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس، چاپ اول.
- ۶- (۱۱۷۸). *کلیات شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت احمد خلوتی مناشری، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- ۷- (بی‌تا). *دیوان شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت حسین عثمان افندی، تبریز: کتابخانه مرکزی.
- ۸- (بی‌تا). *دیوان شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت فیض‌اله، تبریز: کتابخانه مرکزی.
- ۹- (۱۰۹۴). *کلیات شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت ...؟، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- (۱۲۵۴). *غزلیات شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت غلامحسین عجزنژاد، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- (بی‌تا). *کلیات شوکت بخارایی*، نسخه خطی به کتابت ...؟، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- ۱۲- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون*، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.